

سلفی ها و سیاست؛ تحولات عرصه
سلفی گری پس از انقلاب مصر

سلفی ها و سیاست؛ تحولات عرصه سلفی گری پس از انقلاب مصر

دیدگاه جریان سلفی مصر نسبت به مشارکت سیاسی تا قبل از انقلاب 25 ژانویه مصر مبتنی بر مخالفت کامل و قاطع با انواع فعالیت-های سیاسی و پرهیز از درگیری-ها و کشاکش-های سیاسی از درون دانشگاه-ها و اتحادیه-های دانشجویی گرفته تا اتحادیه-های کارگری و سندیکاها و وکلا و پزشکان تا شوراهای محلی و در نهایت انتخابات پارلمانی بود. پنج مؤلفه باعث رویگردانی جریان سلفیه از مشارکت سیاسی شده است: 1. مخالف با دموکراسی و تکفیر آن؛ 2. چشم-پوشی از اصول و ثوابت اسلامی؛ 3. جدایی بین اهداف شرعی و اهداف سیاسی؛ 4. دعوت به تشکیل حکومت دینی؛ 5. هزینه-های سنگین و نتایج ناچیز. - نویسنده بعد از بررسی این پنج عامل، در ادامه به مواضع سلفیه در اسکندریه اشاره می‌کند.

مقدمه

بازگشت دین به عرصه سیاست چندان شگفت-آور نیست؛ به خصوص که ساختار و بافت فرهنگی جوامع عربی به ویژه مصر به گونه-ای است که تفکر دینی داخل آن جایگاهی برجسته در مجموعه افکار عمومی حاکم دارد. حوادث و وقایع ناشی از نوسازی فرهنگی که از زمان برخورد جوامع عربی و به تبع آنها دو محیط فرهنگی و اجتماعی در مصر شروع شده و موسوم به مدنیت نوین و مدرنیسم فکری است^[2] تأثیری در این مواضع نداشته است. آنچه در اینجا جای شگفتی دارد این است که جریان سلفی که پایگاهی وسیع و اصیل در جامعه و میان مردم مصر دارد یکباره پس از گذشت چندین دهه پرهیز از مشارکت سیاسی اعلام کرد که تصمیم دارد در فعالیت-های سیاسی و عملیات سیاسی شرکت کند؛^[3] در حالی که پیشتر از این رهبران و هواداران این جریان اعلام می-کردند که سیاست و مشارکت سیاسی نمی-تواند هیچ-یک از اهداف و خواسته شرع و فقه اسلامی را تحقق بخشد.

در بررسی این مسأله مهم و اشکالات و مسائل همراه آن چاره-ای از تشریح و تبیین حقیقتی که برای بسیاری از افراد قابل درک نیست، به خصوص کسانی که در روزگار ما به جنبش اسلام-گرایی پیوسته-اند یا دشمنان حرکت اسلامی، وجود ندارد. این حقیقت این است که «مسأله سیاسی همیشه در اسلام نقش و جایگاه جوهری داشته است و ابداع و اختراع جنبش-ها و جریان-های اسلام-گرای معاصر نیست»، هر چند همین جنبش-ها و جریان-های اسلامی در تأکید بر جایگاه اصلی خود، به شدت دچار اغراق شده-اند. تاریخ اسلام همواره شاهد نوعی همراهی و همگامی بین سیاست و دین بوده و این ارتباط و پیوستگی به حدی رسیده است که در مقاطعی مختلف از قرون میانه، درگیری-های سیاسی به اشکال مختلف رنگ و لعاب دینی و مذهبی داشته است. حتی به ندرت می-توان لحظاتی از این تاریخ را یافت که در آن دین عامل محوری و اساسی از عوامل سیاسی نبوده باشد.^[4]

جریان سلفی طی چندین دهه قائل به جدایی کامل سیاست - به مفهوم امروزی آن - از دین بوده است. آنها دیدگاهی خاص در مرحله پیش از انقلاب مصر - انقلاب 25 ژانویه - داشتند که در مجموع مشتمل بر پرهیز از کشاکش-ها و رقابت-های سیاسی و بسنده کردن به فعالیت

تبلیغی و ارشادی بود؛ به خصوص که این جریان رویکردی خاص در جهت کناره-گیری و انزوا از تشکل-های اسلامی و جریان-های سیاسی مختلف از یک سو و پرهیز از برخورد با آنها یا با دولت و نظام-های حکومتی یا طیف-های مختلف و متنوع جامعه از سوی دیگر پیش گرفته بود. در اینجا باید به انتقادات جریان سلفی از سایر جریان-های اسلام-گرا که به خصومت و برخورد گاه به گاه با رژیم-های حاکم می-پردازند، اشاره کرد. این جریان با تکیه بر ادبیات و مفاهیمی خاص خود به تبلیغ و ترویج فعالیت ارشادی صرف پرداخته، به خصوص که خود شاهد ظهور و بروز جریان-های رادیکالی و جهادی در کشورهای اسلامی بوده است. جریان سلفی هیچ-گاه گرایشی به سمت این جریان-ها نداشته است، بلکه برعکس پیوسته آنها را هدف انتقادات تند و تیز خود قرار داده و در مقابل رشد و گسترش جریان-های افراطی-تر و خشونت-طلب-تر ایستاده است. این امر باعث شده است که دستگاه حاکم هم موضع میانه-روانه و ملایم-تری در قبال جریان سلفی اتخاذ و حساب آنها را از سایر جریان-های اسلام-گرا جدا کند. در کشاکش حوادث جاری در مصر و رشد اصول-گرایان و شکست و سکوت جریان-های دیگر، مبلغان سلفی و رهبران آنها به گفته یاسر برهامی با استناد به این حدیث پیامبر (ص) که «والله لا يعطونني حطة يعظمون بها حرمت الله إلا أجبتهم إليها»، شعار سازش با حکومت را پیش گرفتند.^[5]

تفکرات سیاسی جریان سلفی قبل از انقلاب مصر

دیدگاه جریان سلفی مصر نسبت به مشارکت سیاسی تا قبل از انقلاب 25 ژانویه مصر مبتنی بر مخالفت کامل و قاطع با انواع فعالیت-های سیاسی و پرهیز از درگیری-ها و کشاکش-های سیاسی از درون دانشگاه-ها و اتحادیه-های دانشجویی گرفته تا اتحادیه-های کارگری و سندیکاها و وکلا و پزشکان تا شوراهای محلی و در نهایت انتخابات پارلمانی بود. در وهله اول به نظر می-رسید علل و اسبابی که آنها برای کار خود داشتند برخاسته از اصول فقهی و مبانی شرعی باشد و اغلب به دیدگاه سلفی-ها نسبت به اصلاحات در داخل کشور مربوط می-شد که آیا این اصلاحات از خارج وارد کشور می-شوند یا خیر؟ اگر اصلاحات از خارج باشد که غربی و کافرند. این مسأله با تمام اصول اولیه دعوت و جریان سلفی منافات دارد. سلفی-ها مفاهیمی چون دموکراسی و مدنیت و نظایر آن را جزء ترفندهای اولیه برای دین-زدایی و بنیان-گذاری و تثبیت تفکر سکولاریسم از طریق تمرکز بر بعد عقلی بدون توجه به منابع دینی می-دانند. سلفی-ها در مقابل این مسأله به شدت ایستادگی می-کنند. آنها بر سلفی بودن خود تأکید دارند و این امر اولین و مهم-ترین مانع ورود آنها به عرصه فعالیت سیاسی در مصر است. البته جریان سلفی با اینکه حاضر به مشارکت در فعالیت سیاسی نبود، اما از مسائل پیرامون خود چندان غافل نبود، بلکه مواضع خاصی اتخاذ می-کرد که نشان می-داد چندان از مسأله سیاست دور نیست. شیخ یاسر برهامی در تأکید بر این نکته می-گوید:

«جریان سلفی مواضع مشخص و ثابتی در قبال تمام مسائل و حوادث سیاسی پیرامون خود از جنگ اول و دوم خلیج [فارس] گرفته تا حمله به عراق و افغانستان و مسائل فلسطین و غیره دارد.» به این ترتیب، برهامی معتقد است که صرف صحبت از چنین مسائلی خود نوعی مشارکت سیاسی است. لذا از دید وی، انزوای جریان سلفی و دور بودنش از حوادث و جریان-های جاری پیرامون خود حقیقت ندارد.^[6] واقعیت این است که مشارکت-های جریان سلفی به شکل اظهار نظر و تحلیل حوادث جاری در سخنرانی-ها و جلسات درس و بحث و وعظ آنها نمود می-یافت.

علل رویگردانی جریان سلفی از مشارکت سیاسی

پنج مؤلفه باعث رویگردانی جریان سلفیه از مشارکت سیاسی شده است:

1. مخالف با دموکراسی و تکفیر آن؛
2. چشم-پوشی از اصول و ثوابت اسلامی؛
3. جدایی بین اهداف شرعی و اهداف سیاسی؛
4. دعوت به تشکیل حکومت دینی؛
5. هزینه-های سنگین و نتایج ناچیز.

در اینجا هر یک از موارد را به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار می-دهیم:

1. مخالفت با دموکراسی و تکفیر آن

مشایخ سلفیه به اتفاق، اصلاحات مدنی و جدید برگرفته از غرب را رد می-کنند و آنها را نوعی وابستگی و تقلید کورکورانه می-دانند. سردسته این افراد در مصر شیخ سعید عبدالعظیم است. وی دموکراسی را با مفهوم غربی آن، به دلیل اینکه نظریه-ای غربی است که دور از ارزش-های اسلامی شکل گرفته و رشد یافته است، رد می-کند. اما برهامی معتقد است که دموکراسی مزایای اندک و معایب بسیار دارد. این مزایا و محاسن که برآمده از شریعت اسلامی است از این قرار است: ملت، حاکم را منصوب و عزل می-کند و در مقابل ظلم و ستم او می-ایستد و او را چنانچه ظلم و طغیان پیش گرفت، عزل می-کند. اما از نظر برهامی، به رغم این مزایا و امتیازات، دموکراسی مشتمل بر عقیده-ای به شدت فاسد است و آن «شرک به خدا»ست؛ به این معنا که قانون-گذاری حق انسان است حتی اگر خلاف شرع خدا باشد.^[7] این امر باعث شده است که سلفی-ها دموکراسی را از بیم پذیرش یک رئیس-جمهور قبطی یا بی-دین به شدت رد کنند. یاسر برهامی در این خصوص این سؤال را مطرح می-کند: «چرا باید رئیس-جمهور غیرمسلمان بر ما تحمیل شود؟! اگر ما مخالفت کنیم، به فرقه-گرایی متهم می-شویم.» برهامی در شرح علت غیرممکن بودن امامت کافر بر مؤمن به این آیه استناد می-کند: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيًّا» (نساء/141). بر این اساس بی-تردید حاکمیت قبطی یا بی-دین را هم رد می-کند.

به این ترتیب، برهامی طرفداران دموکراسی را به این علت که دموکراسی موجب حاکمیت کافر بر مؤمن می-شود، به نفاق و جانبداری از غیرمسلمانان اعم از قبطی-ها و دیگران در مقابل مسلمانان متهم و در توضیح آن به این مطلب اشاره می-کند که رئیس-جمهور و نخست-وزیر اسرائیل، یهودی هستند و غیر از این هم نمی-تواند باشد، زیرا غرب از آن حمایت می-کند. همین وضعیت در انگلیس و واتیکان هم وجود دارد.^[8]

سلفی-ها پذیرش دموکراسی را در سطوح فکری، پذیرش صریح ادبیات اباحی-گری و کفر می-دانند و در سطوح قانونی معتقدند دموکراسی به این دلیل که حق قانون-گذاری را متعلق به مردم می-داند، خلاف ادبیات و تفکر جریان سلفی است.^[9]

2. چشم-پوشی از اصول و ثوابت اسلامی

سلفی-ها می-دانند که در ازای مشارکت در عملیات سیاسی باید امتیازات بی-حد و حسابی واگذار کنند؛ ازجمله پذیرفتن دموکراسی که شرک به خداست و قبول لیبرالیسم. لیبرالیسم با اینکه تأکید بر اختصاص عبودیت به خداوند متعال و آزادی خواهی و مخالفت با بردگی و آزادی از قید و بند انسان-های دیگر را وامدار اسلام است، اما از نظر سلفی-های معاصر، مشتمل بر عقیده-ای فاسد است و آن آزادی بی-حد و مرزی است که انسان را حتی در مقابل خدا هم آزاد می-داند به طوری که انسان حق دارد به خداوند ناسزا بگوید.^[10]

3. جدایی بین اهداف شرعی و اهداف سیاسی

جریان سلفی معتقد است که اهداف سیاسی باید طوری با اهداف شرعی درآمیخته باشد که امکان جدایی بین آنها در هیچ حالی وجود نداشته باشد، زیرا این دو همدیگر را تکمیل می-کنند؛ گو اینکه نیت نیز باید خالص و فقط برای رضای خدا باشد. باید همه چیز تابع احکام شریعت باشد تا - به اعتقاد سلفی-ها- عمل، صحیح باشد؛ چنان که اهداف باید تابع ترتیب اولویت-های مد نظر همان جریان باشد؛ هم-چنین باید با زمان-بندی، موقعیت و وضعیت جامعه و نیز شرایط موجود متناسب باشد.^[11]

4. دعوت به تشکیل حکومت دینی

گروه عظیمی از میان اسلام-گرایان و غیراسلام-گرایان حکومت دینی یا همان تئوکراسی را نمی-پذیرند و هیچ تمایلی به آن ندارند؛ اما جریان سلفی بر این بعد از مفهوم حکومت تأکید می-کنند و معتقدند که حکومت در اصل باید دینی - اسلامی باشد و به همین دلیل از مشارکت در فعالیت-ها و عملیات سیاسی که به آرمان-های آنها برای تشکیل حکومت مد نظرشان ختم نمی-شود، اجتناب می-کنند. شیخ یاسر برهامی در شرح علل مخالفت گروه مقابل با دیدگاه شرعی آنها و حکومت مد نظر آنها یعنی همان حکومت دینی و اسلامی می-گوید: «غرب تنها شناختی که از حکومت دینی دارد، همان حکومت تئوکراتیکی است که در آن حکم حاکم مثل حکم خداست و هرکس که با این حکم مخالفت کند از بهشت رانده می-شود و کلید این بهشت به دست حکام و سرمداران است چه حاکم و سلطان دینی باشند چه دنیوی.»^[12] برهامی در تشریح این دیدگاه می-گوید که اروپا در قرون وسطی شاهد نوعی قانون-گذاری بشری با رنگ و لعاب دینی و الهی بود لذا درک غرب از حکومت دینی هم در همین حد است که می-گوید: حاکم به حکم خدا حکومت می-کند. به این ترتیب چنین حاکمی دیگر یک انسان زمینی یا مسئول اداره حکومت نیست؛ اما در حکومت دینی از دید سلفی-ها حکم فقط از آن خداست و حاکم و محکوم هر دو تابع امر خدا هستند.^[13]

5. هزینه -های سنگین و دستاوردهای اندک

سلفی-ها همیشه اعلام کرده-اند که حاضر نیستند در بازی سیاسی در سایه نظام موسوم به نظام تک-حزبی و تک-رأیی و دروغ و تقلب، یک نمای سیاسی باشند. طبق این دیدگاه حاضر نیستند برای ورود به چنین بازی سیاسی، فداکاری-های به اصطلاح بزرگی انجام دهند. بر همین اساس سلفی-ها همین دیدگاه را برای شرکت در انتخابات سندیکاها و پارلمانی و غیره دارند. آنها حاضر نیستند به زحمت زیاد بیفتند و هزینه-های سنگینی را برای هیچ و پوچ بپردازند، زیرا نتیجه از قبل برایشان معلوم است. علاوه بر این نتیجه، هر نوع همه-پرسی در سطوح متعدد در گذشته نزدیک از قبل مشخص و حاصل «آری» بوده است و هیچ-کس اجازه نداشته صحت آن را زیر سؤال ببرد، زیرا همه می-دانستند که نتیجه این همه-پرسی از قبل معلوم است و لذا سلفی-ها نمی-خواستند نقش یک اپوزیسیون ظاهری و دکوری را بازی کنند.^[14]

سلفی-ها در توجیه اقدامات خود در برخورد با آخرین انتخابات پارلمانی در سال 2010 در زمان حکومت مبارک می-گویند که اسلام-گرایان به دلیل درصد بسیار ناچیزی از کرسی-ها که از سوی حکومت به آنها داده می-شد (از 30 درصد و 8درصد به 3 و 2 درصد کاهش یافته بود) انتخابات را تحریم کردند. تحریم انتخابات در آن شرایط اقدامی کاملاً مثبت بود و همین مسأله ایده رویگردانی از فعالیت-های سیاسی را به تمام اشکالش در آن زمان، میان آنها تثبیت کرده بود.^[15]

جریان سلفی نظام و واحدی سازمان-یافته نیست، بلکه در اصل چندین مجموعه و تشکل

متفاوت-اند که با یکدیگر اختلاف دارند و مواضع-شان در قبال مسائل پیرامونی و عوامل مؤثر و اثر گذار اعم از سیاسی، اجتماعی و غیره ضد و نقیض است. علاوه بر این، فرهنگ عمومی حاکم بر آنها به تناسب محل استقرار آنها متفاوت است از بسیار آسان-گیر تا بسیار سخت-گیر در نوسان است و گروه-های سلفی مختلفی از آنها نشأت گرفته-اند اعم از سلفیه جهادی، سلفیه حرکتی و غیره. از آنجا که در این مقاله درباره مشارکت سیاسی صحبت می-کنیم، به مهم-ترین و برجسته-ترین گروه-ها و جریان-های سلفی که از چند دهه قبل در مصر فعالیت می-کنند همراه با دیدگاه-شان در قبال فعالیت سیاسی و مشارکت در آن می-پردازیم. گفتنی است دیدگاه آنها از مخالفت کامل تا پذیرش در برخی موارد همراه با استثناهای ساده در نوسان بوده است.

الف) مکتب سلفیه در اسکندریه و مواضع آن در قبال مشارکت سیاسی -سلفی-های اسکندریه و «بازی سیاسی»

شیخ یاسر برهامی در مبحث «مشارکت سیاسی و موازنه قوا» می-گوید که اغلب سلفی-ها در به اصطلاح «بازی سیاسی» شرکت نمی-کنند؛ نه به این دلیل که به قول سکولارها دین از سیاست جداست، بلکه برخی موانع وجود دارد که مانع شرکت جریان سلفی در عملیات سیاسی می-شود. اغلب این موانع مربوط به مقوله به اصطلاح رفتارهای سرکوبگرانه و برخوردها و کنش-های منفی نظام-های حاکم در جریان عملیات سیاسی است. این رفتارها و سیاست-ها باعث شده است که جریان سلفی کل فعالیت سیاسی را به دیده سوءظن و شک بنگرند و از مشارکت در آن کاملاً خودداری کنند. یکی از این رفتارهای منفی، تقلب در انتخابات - هر نو انتخابی - به نفع نظام حاکم است. علت-های یادشده را اغلب علما و مشایخ و رهبران جریان سلفی در اسکندریه به خصوص کسانی که دارای اعتبار علمی در کل مصر هستند، مطرح کرده-اند.^[16]

-منفی-نگری در قبال مشارکت در فعالیت سیاسی

شیخ یاسر برهامی، یکی از مهم-ترین و بزرگ-ترین رهبران سلفیه در این جریان، مکتب سلفی را از اتهام منفی-نگری در قبال مشارکت سیاسی مبرا می-داند و خاطرنشان می-کند که آنها از بیم تصویب باطل و هدر رفتن جان و مال و ریزه-خواری در مقابل پست-ها و موفقیت-های بسیار بی-ارزش، خود را به کلی از فعالیت سیاسی دور و هم-زمان تأکید می-کنند که هزینه فعالیت سیاسی این است که برادران وابسته به جریان سلفی (سلفیه علمی) را به طور قطع به زندان و بازداشت می-کشاند و سپس کل جماعت دعوت را به خطر می-اندازد.^[17]

- فعالیت سیاسی و داستان-های شبانه

مکتب سلفیه برخی فعالیت-های سیاسی را «جزئیات سیاسی» می-داند و معتقد است که پرداختن به آنها نوعی وقت تلف کردن است، زیرا انسان را از وظیفه اصلی خود که همان خودسازی و تربیت است، دور و او را سرگرم پاره-ای داستان-ها شبیه داستان-های شبانه می-کند.

شیخ عبدالمنعم الشحات، یکی از مبلغان سلفیه در اسکندریه که پس از انقلاب مصر سخنگوی رسمی دعوت سلفیه شد، می-گوید: البته داستان-سرایی شبانه، شب را به سر می-برد و داستان-سرایی سیاسی «عمر» را، وی هم-زمان تأکید می-کند که گفتمان سلفی به جای آنچه میان سیاست-مداران، «ایدئولوژی سیاسی» خوانده می-شود، وقت خود را صرف سیاست شرعی که دارای منشأ علمی و اعتقادی است، می-کند.^[18]

-پذیرش قوانین وضعی به عنوان شرط مشارکت سیاسی

دکتر علاء بکر، یکی از مشهورترین رهبران سلفیه، در مقاله-ای با عنوان «حول الدولة المدنية»^[19] به سه پایه اساسی که مبنا دولت در تمدن نوین غرب هستند و نقاط مقابل آنها در شرع و فقه اسلامی که می-توانند جایگزین آنها شوند، اشاره می-کند. این مبانی و پایه-ها عبارت-اند از: سکولاریسم یا بی-دینی،^[20] قوم-گرایی یا ملی-گرایی^[21] و دموکراسی یا حکومت مردم.^[22] عبارتی که در اسلام مقابل همه اینها قرار می-گیرد «اسلام، دین و حکومت است». وی استدلال می-کند که اسلام مخالف برتری نژادی یا قومی است. اسلام دعوتی جهان-شمول است که به منطقه یا قلمرو ارضی یا نژادی خاصی منحصر نمی-شود. در اسلام، شرع خداوندی منشأ و عامل هدایت است و سرچشمه قوانین مورد نیاز مردم در سایه اصول عقیدتی، اخلاقی و عبادی غیرقابل تغییر و تبدیل است. این موضوع در کل با قوانین وضعی و چارچوب-های سیاسی رایج امروزی سازگاری ندارد و همین امر به طور کلی مانع مشارکت جریان سلفی در سیاست در مصر می-شود.^[23]

عملیات سیاسی از نظر مکتب سلفیه

شیخ محمد اسماعیل المقدم تفکر انحصار مفهوم عملیات سیاسی در اسلام به مسأله زمامداری و حکومت و مدیریت سازمان-ها و اداره-های تابع آن را رد می-کند و معتقد است که مفهوم عملیات سیاسی در اسلام بسیار فراتر از آن است. سیاست از نظر سلفی-ها- همان-طور که مقدم هم گفته است - شامل رهبری مردم، اهتمام به مسائل عمومی از جمله زمامداری و امور حکومتی و روابط بین کشورهاست. به این ترتیب از نظر مقدم، سیاست فراتر از اداره امور حکومتی است و در واقع تمام مسائل مربوط به امور دینی و دنیای مسلمانان را دربرمی-گیرد. پاسداری از دین لازمه تمام فعالیت-ها و اقدامات و وظایف حکومت اسلامی است و لذا صاحبان این مکتب بر این عقیده-اند که امور حکومتی و سیاست طبق برداشت امروزی ما، مسأله-ای جزئی است و نمی-تواند هدف بزرگ و مهمی باشد.^[24]

ب) جماعت انصار السنه المحمدیه و دیدگاه آن درباره مشارکت سیاسی

شیخ فقیه صفوت الشوادفی جایگاه رفیعی میان این جماعت قدیمی دارد. تأسیس این جماعت به اوایل قرن گذشته برمی-گردد. وی در مقطعی از زمان، رئیس تحریریه مجله التوحید بود. این مجله یکی از مهم-ترین وسایل رسانه-ای سلفی بوده و هست.

وی هم-چنین در مقاله-ای دیدگاه این جماعت را به طور کاملاً واضح در قبال مشارکت سیاسی شرح داده و آورده است مشارکت سیاسی وجهه دینی نداشته و نه به نفع دعوت سلفی است و نه اسلام؛ لذا خواستار پرهیز از آن شده است.^[25]

شیخ در مقاله-ای با عنوان «انصار السنه و الانتخابات» به شرح علل عدم مشارکت جماعت انصار السنه در انتخابات پارلمانی 2000 پرداخته و گفته است: افرادی که برای شرکت در این انتخابات نامزد شده-اند از صفاتی چون عدل، لیاقت و مسئولیت-شناسی بی-بهره-اند. وی نامزدهای مجلس نمایندگان و مجلس شورا را به شعرایی تشبیه کرده که خداوند سبحان درباره آنها فرموده است: آنها کسانی هستند که حرف-هایی می-زنند که هیچ-گاه به آن عمل نمی-کنند و فقط عقل و شعور مردم عامی را به بازی می-گیرند. «أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعرا/226-225).^[26]

شوادفی با تعمقی در آیات مذکور به شرح مفاهیم و مقصود آنها می-پردازد و می-گوید: «خداوند سبحان درباره شعرا فرموده است که انسان-های فریب-خورده از آنها پیروی می-کنند و آنها در هر وادی سرگردان-اند.» وی معتقد است این صفاتی که خداوند در قرآن برشمرده، اکنون بر نامزدهای انتخاباتی صدق می-کند، زیرا اکثر آنها در کوچه و خیابان و در هر محله-ای

سرگردان هستند و می-کوشند توجه مردم را جلب کنند. آنها در اکثر دوره-های تبلیغاتی و سخنرانی-ها و کنفرانس-هایشان حرف-هایی می-زنند و وعده-هایی می-دهند که هیچ-گاه عملی نمی-شود. البته در این آیه استثنایی هم بیان شده و شوافی معتقد است که آن نامزدها هیچ سودی برای مردم ندارند و سلفی-ها می-کوشند همان استثناهایی باشند که خداوند برشمرده است: «الفئة القليلة الصالحة» ... در اینجا شاهد تماس و تقابل بین این آیه و عالم واقع هستیم و حاصل تطبیق این آیه بر عالم واقع امروزی این است که هیچ گزینه و فردی بهتر، مناسب-تر و شایسته-تر یافت نمی-شود؛ به خصوص که این صفات به هر کس که بخواهد در عملیات سیاسی مشارکت کند نیز تعمیم داده شده است. [27]

شوافی در توصیف عملیات سیاسی یا همان انتخابات پارلمانی می-افزاید: «اغلب رقابت ناسالمی بین نامزدها ایجاد می-شود که احیاناً به ضرب و شتم و حتی قتل می-انجامد. اگر بپرسید چرا یک نامزد، نامزد دیگر را می-کشد؟ پاسخ می-شنوید برای اینکه افتخار خدمت به مردم را نصیب خود کند. بسیاری از این نامزدها در دوره تبلیغات هرجا بروند خود را به رنگ مردم در-می-آوردند. اگر دیدند مردمی نماز می-خوانند، با آنها نماز می-خوانند، و اگر ببینند مردمی می-رقصند، با آنها می-رقصند و اگر ببینند کسانی می-خورند با آنها می-خورند، اما هیچ-گاه گرسنگی و درد و رنج فقرا و بیچارگان را درک نمی-کنند. لذا عقلاً باید تفکر کنند و واقعیت-ها را براساس شرع بسنجند. حلال آن است که خدا حلال کرده و حرام آن است که خدا حرام کرده است و جایی که حکم تعیین نکرده است عفو و گذشت را می-طلبند. [28]

شوافی دیدگاه دیگری هم دارد که براساس آن جریان سلفی جماعت انصار السنة المحمدية را به سمت پرهیز از عملیات سیاسی سوق می-دهد. این مسأله نیز در همان چارچوب انتخابات پارلمانی و ارائه ادله و براهین است. شوافی می-گوید: «شورای نمایندگان بین دو دسته تقسیم شده است: یک دسته دارندگان مدارک عالی که 50 درصد اعضای مجلس را تشکیل می-دهند و دسته دیگر، کارگران و کشاورزان که 50 درصد بقیه را شامل می-شوند. در این تقسیم-بندی به کشاورزان و کارگران ظلم زیادی شده است، زیرا وقتی پای چهل و بی-سوادی در میان است، اکثر کارگران و کشاورزان با این مشکل روبه-رو هستند، در حالی که فقط نیمی از کرسی-های مجلس را در اختیار دارند. اگر این بی-سوادی را درعالم واقع از بین ببریم، آن-گاه تمام مردم یا بخش عمده-ای از آنها جزء این گروه محسوب می-شوند، در حالی که فقط نیمی از کرسی-ها را دارند.» [29]

وی در ادامه می-گوید: «با این حال، مسأله خطرناک-تر و مضرتر این است که مجلس نمایندگان بنابر نص صریح قانون اساسی، قوه مقننه محسوب می-شود. حال باید پرسید که چنین مجلسی که هیچ درکی از دین ما ندارد چگونه می-تواند برای ما قانون-گذاری کند. سپس مردم را گول می-زنیم و می-گوییم که شریعت و احکام دینی تا حد زیادی در مصر اجرایی می-شود. عدالت حکم می-کند که نیمی از کرسی-های مجلس نمایندگان به علمای الازهر و نیم دیگر آن به کارشناسان متخصص در تمام عرصه-ها و زمینه-ها اختصاص یابد، زیرا خداوند متعال می-فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/43). در اینجا منظور از اهل ذکر همان علمای دینی و علمای علوم دنیایی هستند و قانون-گذاری فقط زمانی صحت می-یابد که از سوی علمای دینی تأیید شود.» [30]

دکتر جمال المراکبی، یکی از رهبران سلفیه که از درون جماعت انصار السنة سر بر کرده است، در مقاله-ای با عنوان «حَقُّهَا إِنَّهَا أَمَانَةٌ» که در رجب 1421هـ، حدود 10 سال پیش، منتشر کرد با تأکید بر همین مواضع می-نویسد: «فقدان ضوابط شرعی برای سنجش نامزدهای مجالس

پارلمانی و کسانی که نمایندگان مردم را انتخاب می-کنند، مشکلی خطرناک است که پیامبر (ص) آن را نشانه نزدیک شدن روز قیامت و زوال و نابودی دنیا دانسته است، زیرا به منزله از دست رفتن امانت است. ایشان فرموده-اند: «إذا ضعیف الأمانة فانتظر الساعة.»^[31] (هرگاه امانت را از دست بدهید باید منتظر روز قیامت باشید).

مراکبی درباره اصول و ضوابط اسلامی صحبت می-کند که مردم باید آنها را رعایت کنند. او در این-باره می-گوید: «ابتدایی-ترین اصول و ضوابطی که ملت هنگام انتخابات باید رعایت کنند، لزوم سپردن امور به اشخاص اصلح و توانایی است که می-توانند زمام امور مردم را به دست گیرند؛ حال آنکه اغلب نامزدها و انتخاب-کنندگان آنها از چنین توانایی محروم-اند. به همین دلیل، شاهد رقابت شدید و تلاش برای دستیابی به پست و مقام از هر راهی اعم از مشروع و نامشروع، با صرف هزینه و تبلیغات گسترده و فریب مردم عادی و جلب آرایشان هستیم. با چنین رقابتی هیچ-گاه فرد اصلح، آن هم در سایه غیاب آگاهی دینی و فرهنگ سودمند، انتخاب نمی-شود. در چنین وضعیتی نامزدها فراموش می-کنند که عهده-دار امانت بزرگی شده-اند که در مقابل خداوند متعال باید پاسخگو باشند. در واقع باعث شرمندگی خود در دنیا و آخرت می-شوند زیرا عهده-دار کاری شده-اند که حق آن را آن-طور که باید و شاید ادا نکرده-اند.»^[32]

کسی که به دنبال قدرت است نباید انتخاب شود

دکتر جمال المراکبی خاطرنشان می-کند یکی از اصول و مقررات شرع این است که کسی که به دنبال قدرت است نباید انتخاب شود، زیرا به دنبال تحقق امتیازات و اهداف شخصی خویش است و اهمیتی به مسئولیت و پیامدهای کارش نمی-دهد؛ چنان که متوجه بار امانتی که بر دوش خود دارد، نمی-شود. المراکبی برای اثبات ادعای خود به حجم انبوه هزینه و پول-هایی که صرف تحقق اهداف مد نظر کاندید می-شود و نیز به انبوه وعده-های دروغین وی برای فریب مردم اشاره می-کند. چنین شخصی اگر به هدفش برسد، تمام هم و غمش جبران هزینه-هایی که قبلاً صرف کرده و نیز کسب بیشترین امتیازات و درآمدهای ممکن است.^[33]

المراکبی به مخالفت با مشارکت سیاسی بسنده نمی-کند، بلکه مردم را هم به این کار فرا می-خواند. وی در این-باره می-گوید: «اگر مردم از مقررات و احکام شرع رویگردانی و بدون هیچ مجوز دینی یا وجدانی در این قبیل مسائل شرکت کنند، چیزی عایدشان نمی-شود.» المراکبی شرکت مستقیم یا غیر مستقیم در این قبیل فعالیت-ها را کار منکر می-داند و می-گوید: «در فعالیت-های منکر آنها شرکت نکنید، بلکه آنها را امر به معروف کنید؛ در غیر این صورت، فقط خودتان ضرر می-کنید و مسئولیت فقط به پای خودتان است: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائدة/105).^[34]

جماعت انصار السنة جماعتی ارشادی است نه طالب قدرت

جمال سعد حاتم، سردبیر مجله التوحید/الخالی، می-گوید که جماعت انصار السنة از ابتدای پیدایش و در طول تاریخ فعالیت خود در حرف و عمل پای-بندی توحید بوده و فقط در مسیر آن حرکت کرده است. این جماعت از خط-مشی اهل سنت و جماعت تبعیت و با حکمت و موعظة نیک، همه را به سوی خدا دعوت می-کند. این جماعت، جماعتی ارشادی است نه جماعتی قدرت-طلب و خود را پای-بند همان خط-مشی صحابه و تابعین می-داند و لذا عملیات سیاسی را رد می-کند.

جمال سعد حاتم از این هم فراتر می-رود و خاطرنشان می-کند که این جماعت به مشی و اصول خود پای-بند بوده و غیرممکن است ذره-ای از موضع خود عقب-نشینی کند. وی می-گوید: «اصول و مبادی جماعت انصار السنة، بندگی خدا و اطاعت از پیامبر(ص) و اولی-الامر

است؛ لذا هیچ-یک از مسلمانان را به صرف ارتکاب گناه تکفیر نمی-کند و او را مهدور الدم اعلام نمی-کند؛ چنان که اعتقادی به شورش علیه حاکمان و سرمداران کشور ندارد، حتی اگر ظالم باشند. البته این نوع عقیده جای سؤال-های مهمی دارد که بعداً به آنها اشاره می-شود.^[35] آنچه بیان شد، خلاصه-ای از دیدگاه این جریان نسبت به فعالیت سیاسی مشتمل بر رد کامل مشارکت در انتخابات پارلمانی است. این جماعت هیچ دلیلی برای شرکت در این انتخابات که به کلی با عقاید و عمل اسلامی منافات دارد یا دست-کم با عقاید یک مسلمان اصول-گرا تناسبی ندارد، نمی-بیند. طبق اصول و ضوابط شرعی، هرکس که به دنبال حکومت است، یعنی کسانی که در این انتخابات شرکت می-کنند، به دنبال کسب اهداف و منافع شخصی هستند و هیچ اهمیتی به مسئولیت-های ناشی از آن و نیز امانتی که به دوش گرفته-اند، نمی-دهند.^[36]

ج) مواضع جمعیت دینی عاملین به کتاب و سنت در قبال مشارکت سیاسی

جمعیت دینی یکی از شعبه-های سلفیه در مصر است. این جمعیت نیز در قبال عملیات سیاسی و مشارکت در آن دیدگاهی دارد که نمی-توان آن را نادیده گرفت. دکتر محمد المختار محمد مهدی، رئیس کل جمعیت دینی و عضو مجمع تحقیقات اسلامی، می-گوید: «جمعیت دینی و رهبر آن مشارکت در فعالیت حزبی و تلاش برای دستیابی به حکومت را ممنوع می-دانند. این جمعیت ارشادی و خیریه به هیچ حزبی وابسته نیست و حزبی را هم تأسیس نکرده است، بلکه خیرخواه همه طرف-هاست و همه را ارشاد می-کند و معتقد است که جانبداری از یک گروه باعث رویگردانی از گروه دیگر می-شود؛ در حالی که وظیفه اصلی این جمعیت دعوت به سوی خدا براساس روش و خط-مشی پیامبر(ص) و تربیت و ارشاد ایمانی است که انسان-های امین و قدرتمندی را برای هدایت به سمت نور و بصیرت پرورش می-دهد.»^[37]

-سیاست حزبی از طریق ربط دین به دنیا

دکتر مختار المهدی معتقد است هر شهروندی در مصر حق دارد از حقوقی که در به اصطلاح قانون اساسی برایش تعریف شده است، از جمله اظهار رأی و نظر در انتخابات پارلمانی و ریاست-جمهوری استفاده کند و این حق یک امانت و مسئولیت محسوب می-شود، زیرا پیامبر(ص) فرموده است که باید مردم را در شأن و جایگاه واقعی-شان قرار دهیم و انسان امین را بر مقدرات این کشور حاکم کنیم. اگر کسی یک نفر را بر ده نفر از مسلمانان حاکمیت دهد، در حالی که می-داند در میان آن ده نفر شخص بهتری وجود دارد، به خدا و رسول خدا و مؤمنان خیانت کرده است، زیرا این رأی دان به منزله شهادت دادن است و خداوند درباره آن توضیح خواهد خواست.^[38]

به این ترتیب، المهدی شروط و ویژگی-ها و معیارهای خاصی برای مواردی که یک مسلمان می-خواهد وارد سیاست حزبی شود مطرح می-کند و می-گوید که این مشارکت مشروط به این است که او خود را واقعاً شایسته رهبری و پیوند دادن بین دنیا و دین بداند. این شروط و معیارها از این قرار است که با اقتدا به رسول اکرم(ص) متوجه مسئولیت کارش در پیشگاه خداوند متعال باشد و هدفش صرف کسب قدرت و ثروت نباشد، زیرا رسول اکرم(ص) همیشه ما را به انجام کارهایمان فقط برای رضای خدا تشویق کرده است. المهدی هم-زمان به فراموش کردن هدف والا و نیت اصلی و انحراف به سمت مال-اندوزی و کسب قدرت و حکومت که باعث نابودی تدریجی دین می-شود، هشدار می-دهد. رسول اکرم در این خصوص می-فرماید: «ما ذئبان جائعان ارسلا فی غنم بأفساد لدین المرء من حرصه علی المال او الشرف»^[39] (دو گرگ

گرسنه-ای که به جان گله بیفتند به اندازه حرص و طمع کسب مال و شهرت که به جان دین افتاده است خرابی به بار نمی-آورند).

-ثبات بر اصول جماعت

شیخ مختار طرح مهمی مطرح می-کند با این مضمون که الجمعية الشرعية (جمعیت دینی) بر اصول و مبانی خود که از صد سال پیش به خاطر آن تأسیس شده و اصل اساسی عمل به نصیحت رسول خدا(ص)، استوار است. رسول اکرم(ص) فرمودند: «دین یعنی خیرخواهی». گفتم: برای چه کسی؟ فرمودند: «برای خدا و رسول خدا و کتاب خدا و ائمه و عامه مسلمانان.» شایان ذکر است جمعیت شرعی یک جمعیت خیریه اجتماعی است که کاری به سیاست و حزب-گرایی ندارد و به عبارت دیگر، نه حزبی را تأسیس کرده و نه به حزبی پیوسته است.^[40]

المهدی در تشریح عدم گرایش این جمعیت به بازی-های حزبی می-گوید: «به محض اینکه جمعیت شرعی به حزبی بپیوندد، هواداران احزاب دیگر نصیحت آن را نخواهند پذیرفت. به همین دلیل، فراحزبی عمل می-کند و به هیچ حزب دیگری نمی-پیوندد. این جمعیت خیریه به محض مشاهده انحرافی از جانب دیگران از مسیر مستقیم، آنها را با استناد به کتاب خدا و سنت رسول خدا هدایت و راهنمایی می-کند. اگر متوجه انحرافی شویم، طرف مقابل را با نصیحت و حکمت و موعظه حسنه به راه راست هدایت می-کنیم. این کار با سیاست حزبی که به دنبال اهدافی خاص برای جماعتی خاص است، فرق می-کند.»^[41]

-اصلاح حاکم

المهدی دائماً با تأکید بر لزوم اصلاح حاکم و تلاش برای بازگرداندن او به مسیر درست، تفکر ولایت مطلق حاکم و ولی امر را که همیشه جزء ایرادهایی است که به جریان سلفی گرفته می-شود، رد می-کند. وی می-گوید: «اگر فقط عامه مردم را مورد نصیحت و موعظه قرار دهید و حاکم را به حال خود رها کنید، آن وقت به قول کمونیست-ها، دین افیون ملت-ها خواهد شد. بنابراین باید بدانیم که منظور رسول خدا(ص) از اینکه فرمودند قبل از مردم عادی، حکام را نصیحت کنید، تلاشی بوده است برای ایجاد سازگاری و تناسب و تعادل بین این دو گروه.»^[42]

-محدودیت-ها و امکان فعالیت سیاسی

دکتر رضا الطیب، دبیر کل جمعیت شرعی و عضو هیأت علمای داخل جمعیت، خاطرنشان می-کند که هر نوع اقدام یک جماعت ارشادی و خیریه برای فعالیت سیاسی، آن را در موضع متناقض قرار می-دهد. دعوت دینی علما انجام می-دهند مبتنی بر مفاهیم الهی هم-چون اخلاص و حسن نیت و اخلاص در توجه به خداوند متعال و محاسبه است؛ در حالی که فعالیت حزبی و سیاسی مبتنی بر روابطی آکنده از اختلافات عمیق و ریشه-ای است که افراد حزب را درگیر رقابت-های انتخاباتی می-کند و در این رقابت-ها رقبا سعی می-کنند به نوعی به یکدیگر لطمه بزنند و همدیگر را از میدان بیرون کنند و لو با بستن افتراهای دروغین به همدیگر و نیز استفاده از هر وسیله-ای برای رسیدن به هدف؛ چنان که میدان-های سیاسی، روش-ها و ابزارهای مخفیانه-ای دارد که فقط کسانی که در سیاست-سازی مهارت کسب کرده-اند، قادر به شناسایی آن هستند.^[43]

البته الطیب اندک روزنه امیدی را در مورد امکان فعالیت سیاسی و حزبی بدون ارتکاب اشتباه-های یادشده باز می-کند. بدین ترتیب، وی فعالیت سیاسی را از طریق تأسیس احزاب مدنی با مرجعیت دینی ممکن می-داند. چنین حزبی باید مستقل باشد و افراد آن از نخبگان ماهر و زبده در فعالیت سیاسی و حزبی و دور از شخصیت-ها و رهبران جماعت باشند و سعی

کنند از کشاندن پای رهبران دینی به کشمکش-های سیاسی و رقابت-های انتخاباتی اجتناب کنند.^[44]

داشتن چنین فعالیتی مشروط به این است که اعضای جماعت دعوت و ارشاد خود اقدام به تربیت نیروهای مد نظر خود آن هم به قول الطیب، تربیت اسلامی صحیح کنند و آنها را برای مشارکت در فعالیت-های سیاسی به بهترین شکل آماده سازند و بعد به آنها اجازه دهند وارد عرصه پر افت و خیز و پر از مشکل سیاست شوند.^[45]

حمایت سلفی-ها از حضور و مشارکت سایر جریان-های اسلام-گرا در سیاست

سلفی-ها درباره برخی مشارکت-های سیاسی از طریق حمایت از یک گروه یا جریان اسلام-گرای خاص صحبت می-کنند. این حرکت پیامی از جانب آنهاست مبنی بر اینکه فعالیت سیاسی را به کلی کنار نگذاشته-اند، بلکه فقط مواضعی ضد و نقیض دارند. البته این مسأله فقط در سطوح فردی و بسته به نوع تمایلات و سلیقه-های آنهاست، در حالی که ایدئولوژی این جریان مبتنی بر جدایی دین از سیاست است؛ به خصوص که معتقدند فرایند سیاسی در آن زمان [قبل از انقلاب] و تبعات و دنباله-های آن با مفهوم اسلامی حکومت اسلامی که ریشه-های سلفی-گری داشته باشد، تناسبی نداشت. به همین دلیل، داخل دانشگاه-ها هم از نامزدی در اتحادیه-های دانشجویی و سندیکاها کارگری و غیره اجتناب و فقط به حمایت از برادرانشان در حرکت-ها و جریان-های اسلام-گرای دیگر بسنده کردند.^[46] شیخ عبدالمنعم الشحات اندکی قبل از آخرین انتخابات پارلمانی پیش از سقوط مبارک که در سال 2010 برگزار شد، از همین موضع حمایت از یک جریان و گروه اسلام-گرای خاص، بر لزوم حمایت از اسلام-گرایان - اخوان-المسلمین - در اتحادیه-های دانشجویی و سندیکاها مشاغل تأکید کرده بود؛ زیرا این مراکز بعد تشریعی و قانون-گذاری ندارند و در آنها نه باطلی به تصویب می-رسد و نه منکری، در حالی که در انتخابات پارلمانی احتمال نقض احکام شریعت وجود دارد.^[47]

جریان-های اسلام-گرا در مقابل رقبا و دشمنان-شان متحد می-شوند؛ بنابراین، رقبا و مخالفان جریان سلفی همان رقبا و مخالفان جنبش اسلامی هستند، زیرا همه آنها در یک طرح و ایده با هم اتفاق نظر دارند و آن رد وابستگی به غرب کافر و امریکای طغیانگر به عنوان سرمنشأ تروریسم و بی-ثباتی و اختلاف و تجزیه در کشورهای اسلامی با هدف ایجاد خاورمیانه بزرگ بی-هویت است. این موضع-گیری به طور آشکار در ادبیات شیخ محمد اسماعیل مقدم به ویژه در رساله «موقف الدعوة السلفية من الانتخابات البرلمانية» آمده است. وی در آن زمان اعلام کرده بود: «اگر مسلمانی برای انتخاب یکی از افراد جماعت اخوان-المسلمین که در عملیات سیاسی شرکت کرده-اند اقدام کند، به رغم اختلافات اساسی و بنیادینی که بین ما وجود دارد، او را تشویق می-کنیم، زیرا ما به تفاوت-های فقهی که در این خصوص با هم داریم احترام می-گذاریم.» مقدم شرکت در این انتخابات را مشروط به این می-داند که طرف مقابل، یک عنصر ضد اسلامی باشد یا امریکا به عنوان دشمن تمام جنبش-های اسلامی از او حمایت کند.^[48]

مقدم در رساله خود خاطرنشان می-کند که ممکن است ورای این مجالس، خیر و مصلحتی باشد؛ چنان که دعوت سلفیه قصد ندارد مخالفان دیدگاه خود را از مسیرشان منصرف کند، زیرا این تفاوت-ها برگرفته از تفاوت-های فقهی است. این دیدگاه پیشرفته-ترین دیدگاه سلفی-هاست که ممکن است بعدها یعنی بعد از انقلاب مصر، به مشارکت حتمی آنها در عملیات سیاسی بینجامد.^[49]

تصمیم سلفی-ها برای پایان دادن به دوره جدایی فعالیت ارشادی از فعالیت سیاسی

سلفی-ها مشارکت در عملیات سیاسی را مشروط به وجود رهبر واقعی می-دانند که بتواند این مسئولیت را به دوش بکشد. آنها شاید خود را شایسته-ترین گزینه برای چنین کاری می-دانند. شیخ یاسر برهامی در 21 نوامبر 2010 در این باره خاطرنشان کرده است که از دید سلفی-ها در این لحظه، هیچ گروهی که شایستگی و صلاحیت رهبری امت و تأمین مشارکت سلفی-ها در سیاست را داشته باشد، وجود ندارد.

انقلاب مصر باعث حذف و الغای افکاری شد که هیچ تناسبی با شرایط امروز و روزگار ما نداشتند و در آستانه سقوط بودند. این افکار کهنه هیچ بازتابی نداشتند و تحرکی ایجاد نکردند، به خصوص بعد از اینکه انقلاب از مسیرهای دیگری غیر از مسیری که توسط برخی جریان-های دیگر مسدود شده بود، به ثمر رسید و آن جریان-های کهنه-گرا را چنان در تنگنا قرار داد که مجبور به نوسازی افکار و رویکردهای خود شدند تا با جریان امور همراه شوند و شاید برای اولین بار به این فکر افتادند که نقش نهضتی واقعی را در عالم واقع ایفا کنند.

اینجا بود که دین و سیاست برای اولین بار در راستای حرکت سلفی-ها به سمت فعالیت مستقیم سیاسی، پس از انقلاب مصر با هم پیوند خوردند؛ شاید به این دلیل که سلفی-ها خود را بهترین و شایسته-ترین گروه برای رهبری امت می-دانستند یا به این دلیل که در ائتلاف با هیچ جریان به اصطلاح سکولاریست و قوم-گرا یا کسانی که دشمنی پنهانی با جنبش اسلامی دارند - اما در ظاهر خود را دوست نشان می-دهند- شرکت نکرده-اند. خلاصه اینکه در مسیر تغییر ایدئولوژی یک گام به جلو برداشتند و با جهشی از روی ادعای ارشادی به فعالیت سیاسی روی آوردند.^[50]

بازتاب-های حرکت به سمت مشارکت سیاسی بین جریان سلفی در مصر
این بازتاب-ها را می-توان در نکات زیر خلاصه کرد:

1. نکات منفی

الف) آشفتگی و ابهام در وضعیت

با توجه با اینکه جریان سلفی در قالب تشکلی واحد و منسجم جای نمی-گیرد و شاخه-های مختلف آن تفاوت-ها و اختلاف نظرهای شدیدی درباره فعالیت سیاسی و مشارکت سیاسی دارند، این جریان پس از پیروزی انقلاب مصر امکان و آزادی حرکتی پیدا کرد که چنین آزادی و امکانی هیچ-گاه در اختیار سایر جریان-های اسلام-گرا قرار نگرفت.

به همین علت، جریان سلفی به فکر تجدید نظر در تفکر سلفی و اصول-گرایانه خود افتاد، چون دریافت تفکرات اصول-گرایانه-اش تناسبی با مکانیسم-های عصر حاضر ندارد؛ به خصوص در سایه نوعی حرکت سیاسی کاملاً متفاوت با تحرکات سابق به موازات ظهور بارقه-هایی از مرحله جدید که هر طیف سیاسی یا دینی سعی می-کند آن را در جهت منافع خاص خود به خدمت بگیرد. به این ترتیب، بخشی عمده از جریان سلفی سعی کرد با تشکیل احزاب ائتلاف و جمعیت-هایی به سمت مشارکت سیاسی حرکت کند. این رویکرد جدید به محض خلع مبارک و آغاز رهبری موقت کشور توسط ارتش و شورای نظامی آغاز شد.

در این بین سلفیه علمی یا همان سلفیه اسکندریه بلافاصله مشارکت سیاسی خود را با تأسیس حزب النور^[51] که جزء مشهورترین احزاب در آن زمان بود، شروع کرد. البته برنامه-ها و طرح-های این حزب تفاوت چندانی با درک و دیدگاه سلفی سنتی نداشت؛ به خصوص برنامه-های این حزب با توجه به اینکه یکباره پا به عرصه فعالیت سیاسی گذاشته بود و آشنایی چندانی با مکانیسم-های این نوع فعالیت نداشت، درباره مسائل مهم و چالش-انگیزی که برای

بسیاری از فعالان عرصه سیاست اهمیت دارند هم-چون زنان، حکومت مدنی و قبطی-ها چندان روشن نبود. این امر آشفتگی شدیدی داخل ساختار و مبانی سلفی که هیچ نوع تصور قبلی از چگونگی تعامل با مسأله بسیار مهم تأثیر و تبعات انقلاب مصر نداشت، ایجاد کرد. این تأثیرات تناسبی با دیدگاه-های محدود و کهنه این جریان که هم-چنان از پیشرفت تحول جا مانده بود، نداشت.

ب) اصرار برخی جریان-های سلفی بر عدم مشارکت در فرایند سیاسی

جماعت انصار السنة المحمدية و جمعیت شرعیة در صدر جریان-های سلفی هستند که خود را از حزب-سازی یا مشارکت در تظاهرات و نظایر آن کنار کشیدند. گروهی نیز انقلاب مصر را عامل نابودی، پس از سقوط هییت و عظمت حکومت می-دانستند و معتقد بودند «که دیگر کسی از این حکومت حساب نمی-برد و فاسدان جرأت یافته و صدای خود را بالا برده-اند و حرمت-ها شکسته شده و هرج و مرج همه جا را فرا گرفته است. این انقلاب در واقع یک فتنه است نه قیام علیه حاکم ظالم و فاسد.»^[52]

یکی از سران و شخصیت-های دعوت سلفیه در قاهره به نام شیخ محمد عبدالرؤف شاهین بر این عقیده است که انقلاب مصر دروازه دست-اندازی مسیحیان و یهودیان و رافضی-ها بر مقدرات این ملت و این سرزمین است. وی معتقد است که رئیس-جمهور سابق به مثابه ولی-امر بود و نباید علیه وی شورش می-شد. وی پس از انقلاب نیز گفت هدف این انقلاب حاکمیت بخشیدن به شریعت به عنوان هدف اصلی آن، نبوده است.^[53]

ج) انزوا و ناآشنایی با چگونگی همکاری ملی

انزوایی که رهبران جریان سلفی در مصر بر پیروان خود تحمیل کرده-اند باعث شده است که آنها مکانیسم-های همکاری ملی را از دست بدهند. با اینکه در این انقلاب جریان-های سیاسی و اسلامی به هم پیوسته و در راه تحقق هدف واحد و خواسته-های ثابت بر پایه اتفاق آرای نخبگان سیاسی و اسلامی و فرهنگی با هم متحد شدند و شعار عدالت و آزادی و برابری سر دادند، اما پرهیز جریان سلفی از فعالیت سیاسی، آن را در دام-های بسیاری گرفتار کرد. طرد و خائن دانستن سایر جریان-های سیاسی، سر دادن شعارهایی چون اجرای شریعت و مخالف با دولت مدنی از جمله دام-هایی بود که این جریان را در خود گرفتار کرد و کشمکش-ها و درگیری-های بسیاری به بار آورد؛ چنان که اصطلاحاتی پدید آمدند هم-چون «صوفیه جهادی»^[54] که رودرروی جریان سلفی ایستادند. صوفیه سنتی تلاش و اقدامات این جریان را تلاشی برای بسط نفوذ و سیطره صوفیه از طریق بر هم زدن مراسم و زادروزهای سنتی و تخریب قبور ائمه-شان می-دانستند. سلفی-ها حتی با کلیسای مصر درگیر شدند و بر سر موضوع زنان و دختران تازه مسلمانی که به اجبار از خانه-ها و محل کارشان فقط به دلیل مسلمان بودن-شان ربوده می-شدند، کشمکش-های شدیدی بین آنها درگرفت. در این گیرودار کلیسا موفق شد در بسیاری موارد، جریان سلفیه را به عنوان خطری برای قبطی-های مصر معرفی کند. حوادث عباسیه و محاصره میدان عباسیه^[55] و حوادث اخیر امبابه شاهد زنده این درگیری-هاست.^[56] همه اینها صرفاً نتیجه درک و درایت کلیسای مصر از اوضاع سیاسی و مشارکت در این بازی از سال-ها پیش است که سلفی-ها هواداران خود را از شرکت در این درگیری-ها بر حذر می-داشتند.

د) موضوع «ولی امر» هنوز پابرجاست

شیخ فتحی عثمان عبدالمجید که منابع و مطالب کتاب الحاکمیه و السیاسة الشرعیة عند شیوخ جماعة انصار السنة المحمدية را جمع-آوری کرده است، به من گفت که انقلاب 25 ژانویه

مثل شراب و قمار است، یعنی گناهش بیشتر از نفع آن است. البته این مطلب موضع بسیاری از وابستگان به این جریان پر شاخ و انشعاب است، زیرا موضوع ولی امر هنوز پابرجاست و همین مسأله باعث شده است که برخی از آنها جانب عافیت و آرامش را بگیرند و خود را از فشار بازداشت و شکنجه استبداد دور کنند. این بار هم همان تفکر و موضوع ولی-امر باقی است، اما این بار ولی امر، شورای نظامی است. این مسأله طبق دیدگاه تنگ-نظرانه به نفع کشور است. کشور باید به هر ترتیب و به هر شکلی شده یک ولی امر داشته باشد.

ه) ائتلاف-های متعدد با اسامی مختلف

یکی از نتایج قطعی و اجتناب-ناپذیر حرکت به سوی فضای آزاد و مشارکت سیاسی، پیدایش ائتلاف-های اسلامی متعددی بود که در همان لحظه تشکیل شدند یا به عبارت بهتر، حاصل انقلاب مصر بودند.^[57] از جمله می-توان به ائتلاف جوانان اسلامی مصر، ائتلاف جوانان سلفی و ائتلاف حمایت از تازه-مسلمانان و غیره اشاره کرد. بیشتر آنها وابسته به جریان سلفی بودند که البته اغلب سازمان-یافته نبودند و روز به روز بیشتر می-شدند. هنوز میزان ضعف و قدرت این سازمان-ها و تشکل-ها مشخص نشده است و نمی-توان به آسانی درباره آنها قضاوت کرد.

2. نقاط مثبت

الف) ایمان به دموکراسی و پذیرش آن

گرایش جریان سلفی به سمت مشارکت سیاسی باعث شد که رفته رفته در بازی دموکراسی که خود اعتقادی به آن نداشت و آن را بازی غربی برای زدودن دین و از بین بردن هویت [اسلامی] می-دانست، پذیرفته شود.

این دموکراسی به جریان سلفی امکان داد که پا به پای سایر جریان-های اسلام-گرا که قدرتمندانه وارد عرصه سیاست شده بودند، در همه-پرسی برای اصلاحات قانون اساسی به پیروزی قاطع دست یابد.^[58]

این دموکراسی باعث شد جریان سلفی درک قدیم خود را از این اصطلاح کنار بگذارد و آن را پس از اینکه به ارزش-کاربردی آن برای احقاق حق و ابطال باطل پی برد، در جهت کمک به اهداف و مطامع سلفیه برای شرکت در انتخابات پالمانی آینده به کار گیرد.

ب) ترک دیدگاه-های سنتی و ایجاد سلفی-گری جدید

سلفی-ها به محض اینکه به ارزش فعالیت سیاسی و مشارکت در آن پی بردند، شروع به تأسیس احزاب جدید کردند و اصلاحات و روش-هایی که از دید رهبران سلفی، دور از دیدگاه-های اصول-گرایی بود، نقل دهان-شان شد.

این احزاب با اسامی و عناوین متفاوت و ضد و نقیض عرصه را بر سایر جریان-های اسلام-گرا که از سال-ها پیش در صحنه حضور داشتند، تنگ کردند. برای مثال، یکی از جریان-ها جماعت اخوان-المسلمین بود. همین که جماعت اخوان-المسلمین تأسیس حزب آزادی و عدالت، شاخه سیاسی جنبش و جماعت را اعلام کردند، احزاب سلفیه متعدد دیگری مثل النور، النهضة، الاصلاح، الفضیله، الاصلاح و الریادة و غیره پدید آمدند. این حجم انبوه از احزاب سلفی گویای حجم و قدرت این جریان داخل جامعه مصر است.

این حجم حضور نقطه مثبتی است که نتایج آن بعدها مشخص خواهد شد، زیرا چنین تجربه-ای بعدها نوعی حرکت و پویایی را در مخاطبان ایجاد خواهد کرد و آنها را به سمت تلاش برای تحقق اهداف و مقاصد خود به تناسب تعدد تجربه-های موجود پیش می-رانند. در حالی که تمرکز بر دیدگاه-ها و نگرش قدیمی و سنتی هیچ تناسبی با شرایط و اوضاع فعلی ندارد، به خصوص پس از تغییراتی که انقلاب مصر در نقشه ژئوپولیتیک این کشور ایجاد کرد؛ گو اینکه

همین حادثه هم باعث محو و نابودی تدریجی جریان-های سنتی و ظهور جریان-های جدیدتر و معاصرتر شد.

ج) فعالیت اجتماعی و تماس مستقیم با شهروندان

تجربه سیاسی جدید شرایط جدیدی بر جریان سلفی تحمیل و آن را مجبور به پذیرش جامعه می-کند و آنها را از انزوا خارج و گوشه-گیری را از ذهن و شخصیت و قاموس سلفی-ها پاک خواهد کرد و نوعی ارتباط بی-سابقه را با مردم برای جلب آرای آنها ایجاد خواهد کرد؛ به خصوص که سلفی-ها در این لحظه نیاز ضروری به آرای تمام طبقات و قشرهای جامعه دارند. این امر خود عامل اساسی و محوری در معرفی سلفیه به جامعه داخلی و خارجی به عنوان ابزاری برای اصلاحات و توسعه خواهد بود؛ چنان که با نگاهی به احزاب مختلف سلفیه و تأکید آنها بر طرح ارتقای سطح جامعه و ایجاد فضای رشد و توسعه جدید در مصر که خود به خود باعث ظهور شکل جدیدی از سلفیه می-شود، متوجه این حقیقت خواهیم شد.

د) محو صفاتی چون افراطی-گری و یکجانبه-گرایی

تصور می-شود با تجربه جدید جریان سلفی و حرکت آنها به سمت فعالیت سیاسی و حزبی، صفاتی هم-چون افراطی-گری و یکجانبه-گرایی و اینکه آنها همان فرقه ناجیه (گروه نجات-یافته) هستند، به تدریج از بین خواهد رفت و آنها وارد فضای جدیدی می-شوند که از انعطاف بیشتری برای برقراری ارتباط با توده مردم و انسان-هایی که همیشه آنها را عوام خوانده--اند برای جلب حمایت آنها از تجربه و مسیر جدیدشان در این عرصه ناشناخته و غریب در قالب فعالیت-های سیاسی و حزبی برخوردار خواهند بود.

خلاصه

تجربه جریان سلفی در کویت تجربه-ای منحصر به فرد برای این جریان در کل جهان عرب محسوب می-شود. ترک زود هنگام برخی دیدگاه-های کهنه سنتی که هنوز در اذهان بسیاری از هواداران جریان سلفی در منطقه به خصوص مصر باقی مانده است، به این فرایند کمک کرد. حضور در پارلمان و مشارکت در حوادث مهم عربی و اسلامی مثل حضور ولید الطبطبائی در کشتی مرمره که در جریان آن تعداد زیادی از مسافران این کشتی کشته و دستگیر شدند، نمونه-ای از این تحرکات بود. شایان ذکر است کشتی مذکور برای شکستن محاصره غزه که از سال-ها پیش توسط صهیونیست-ها و آمریکا بر آنجا تحمیل شده است، به سوی سواحل آن منطقه در حرکت بود.

از آنچه گفته شد درمی-یابیم که مرحله جدید که مرحله حرکت به سمت فعالیت سیاسی و تشکیل ائتلافات و احزاب و نظایر آن است. حرکت جریان سلفیه را تسریع می-کند و آن را - اگر خود بخواهد و خود را هماهنگ کند - با سایر طیف-های سیاسی و دینی به خصوص اسلامی از جمله در مصر منسجم-تر می-کند و باعث می-شود که عوام-فریبی، عصبیت و افراطی-گرایی را کنار بگذارد و به آن کمک می-کند تجربیات موفقیت-آمیز سلفی-ها در جهان عرب مثل کویت را تکرار کند.

پاورقی

[1]. روزنامه-نگار مصری و محقق مرکز مطالعات اسلامی؛ تألیفات و مقالات و گزارش-های

متعددی درباره جریان اسلام-گرایی به خصوص اصول-گرایی، رادیکالیسم و صوفی-گرایی دارد.

[2]. عبدالله بلقزیز، الإسلام و السياسة، دور الحركة الإسلامية فی صوغ المجال السياسي.

[3]. علی عبدالعال، الدعوة السلفية تقرر المشاركة بالعملية السياسية فی مصر، الثلاثاء، 22

مارس/آذار 3129:2011 <http://www.myportail.com/octualitecs.news-web-2.o.php?id=3129:2011>

- [4] . عبدالإله بلقزيز، پیشین.
- [5] . على عبدالعال، «الدعوة السلفية بالاسكندرية المنشأة و التاريخ» :17520 <http://www.alhiwar.net/ShowNews.php?Tnd=17520>
- [6] .احمد زغلول شلاطه، حوار ياسر برهامى، موقع الاسلاميون - السلفيون من المقاطعة السياسية الى المشاركة.
- [7] .همان.
- [8] گفت-وگوى شيخ ياسر برهامى با شبكه الخليجية، 12 آوريل.
- [9] .همان.
- [10] .همان.
- [11] .همان.
- [12] .همان.
- [13] .همان.
- [14] .همان.
- [15] .همان.
- [16] .على عبدالعال، سلفيو الإسكندرية نشتغل بالسياسة و لانشتغل بها، اسلام اون لاين، 24 مارس/آذار2008.
- [17] .مجله الهدى النبوى، «حوار ياسر برهامى»، السنة 77، العدد 793، الجماديان، 1432هـ
- [18] . على عبدالعال، «التوريث فى مصر الفتنة التى يتجنبها السلفيون»، الاسلاميون، 2009/7/14.
- [19] .درباره حكومت مدنى
- [20] .Secularism.
- [21] .Nationalism.
- [22] .Democracy.
- [23] .على عبدالعال، «سلفيو الاسكندرية نشتغل بالسياسة ولا نشتغل بها»، پیشین.
- [24] .همان.
- [25] .رئيس مجلس علماء الجماعة، «انصار السنة و الانتخابات اعداد جمال المراكبى»، مجلة التوحيد، السنة الأربعون، العدد 473، جمادى الأولى 1432هـ
- [26] .همان.
- [27] .همان.
- [28] .همان.
- [29] .همان.
- [30] .همان، شماره 1.
- [31] .البخارى، كتاب العلم، 59؛ همچنين رئيس مجلس علماء الجماعة، پیشین.
- [32] .همان.
- [33] .جمال المراكبى، «الحاكمية و السياسة الشرعية»، ص 373.
- [34] .همان.
- [35] . مجلة التوحيد، السنة الاربعون، العدد 470، جمادى الاولى 1432.
- [36] .جمال المراكبى، انصار السنه و الانتخابات، پیشین؛ مجله التوحيد، پیشین.
- [37] .التبيان، الجمعية الشرعية فى قلب الاحداث، مواقف و مبادئ، السنة السابعة، العدد

- الثانى و الثمانون، جمادى الاولى 1432 - ابريل/نيسان 2011.
- [38]. حوار الدكتور محمد المختار المهدي، رئيس العام للجمعيات الشرعية، حوار محمد الإمامى، العدد 1529، الخميس، 16 جمادى-الآخرة 1432 - 19 مايو/ ايار 2011، اللواء الاسلامى.
- [39]. همان.
- [40]. همان.
- [41]. همان.
- [42]. همان.
- [43]. رضا الطيب، الأمين العام للجمعية الشرعية و عضو هيئة العلماء، مجلة التبيان، العدد الثالث و الثمانون، جمادى-الآخرة 1432 - مايو/ايار 2011.
- [44]. همان.
- [45]. همان.
- [46]. على عبدالعال، الدعوة السلفية بالإسكندرية النشأة و التاريخ: <http://www.almersyoon.com/new.aspx?id=57714>
- [47]. همان.
- [48]. همان.
- [49]. همان.
- [50]. على عبدالعال، الدعوة السلفية تقرر المشاركة بالعلمية السياسية فى مصر.
- [51]. حزب نور اولين حزب سلفى است كه با انضمام مسيحيان در مصر تأسيس شد.
- <http://aawsat.com/details.asp?seccion=4&issaeno=11885&article=626328&feature>
- [52]. حكم الشريعة فى الأحداث، صرخة لأمة، ملأ قلبها حبها قلبى «إنما أنا النذير العريان» لفضيلة الشيخ محمد عبدالرؤوف شاهين، الطبعة الثانية.
- [53]. همان.
- [54]. «آل البيت» و «لاصلاح الصوفى»... يتقفان على أحياء الصوفية الهادية: <http://www.dostor.org/politics/Egypt/11/June/24/46090>
- [55]. السلفيون امام الكاتدرائيت يطالبون بـ«كاميليا» و آخرون امام المشيخة ينددون بالمفتى لأجل النقاب:
- <http://www.alazma.com/site/index.php?option=com-content&view=article&id=21>
- [56]. جزئيات حوادث فتنه فرقہ - اى امبابه در
- <http://www.masrawy.com/news/Egypt/Politics/2021/may/8/imbaba-church.aspx>:
- [57]. ائتلافات شبابية جديدة من كل التيارات الإسلامية: <http://www.ahram.org.eg/AL%20mashhad%20Al%20syassy/New90227>
- [58]. العلما للاستفتاء: 77/2 % وافقوا على التعديلات الدستورية:- <http://www.masrawy.com/news/Egypt/Politics/2011/mach/20/final-results.aspx>